

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	سخن نخست.....
۲.....	باتلاق هسته‌ای ایران.....
۴.....	ریشه سیاست اوپاما در قبال ایران.....
۶.....	کدام راه در قبال ایران: گزینه‌های آمریکا در قبال ایران.....
۷.....	گزینه‌های بد در قبال ایران.....
۱۰.....	آیا رفتار روسیه در قبال ایران جدی خواهد شد.....
۱۲.....	سیاست روسیه در قبال ایران.....
۱۴.....	شرط‌بندی چین در مورد ایران.....
۱۵.....	ورود جهان عرب به برنامه هسته‌ای ایران.....
۱۷.....	خنثی‌سازی تهدید ایران.....
۲۰.....	مسئله ایران، کلید دیگر اهداف سیاست خارجی اوپاماست.....
۲۲.....	ایران، آمریکا و خلیج فارس: توهم سیاست منطقه‌ای.....
۲۴.....	جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران، کل ماجرا نیست.....
۲۶.....	عرصه دریایی در منازعه با ایران.....
۲۸.....	نیروهای دریایی ایران: از جنگ چریکی تا استراتژی مدرن دریایی.....
۳۰.....	عربستان سعودی پس از تنش‌زدایی ایران و آمریکا.....
۳۲.....	آیا ایران به اوپاما در افغانستان کمک می‌کند یا نه؟.....
۳۴.....	شراکت ایران و برزیل.....

ماهنامه کاوش (۳۲)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۰۱۸

آذر ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی



یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین‌اساس در شماره ۳۲ کاوش، با توجه به تمرکز بسیاری از مؤسسات پژوهشی بر تحولات پرونده هسته‌ای ایران، مقالاتی در مورد رویکرد غرب، روسیه، چین، اعراب و اسرائیل در این باره و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن برگزیده شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از سوی دفتر مطالعات سیاسی نیست. در همین حال، ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.



عنوان: باتلاق هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: جورج پرکرویچ

منبع: Council on Foreign Relations^۲

ایران در گام اول در مذاکرات سیاسی با ۵+۱، معامله هسته‌ای با غرب را قبول کرد چرا که افشای تأسیسات هسته‌ای جدید ایران در فردو، ایران را در موضع ضعف قرار داده بود. ازسوی دیگر، ایران بر این باور بود که این معامله واقعاً مفید و در راستای منافع ایران صورت گرفته است. اما این موضع دولت ایران به دلیل ناآرامی‌های سیاسی در داخل کشور و فرصت‌طلبی دشمنان و رقیبان رئیس‌جمهور کنونی تضعیف شد و حکومت ایران نیز نهایتاً این طرح را کنار گذاشت.

این وضعیت به نفع دولت اوپامااست چرا که اشتیاق اوپاما به مذاکره، عملاً اثبات می‌کند که ایران نمی‌تواند وارد معامله شود. ازسوی دیگر اگرچه ایران ظاهراً به دنبال کسب توانمندی ساخت تسلیحات هسته‌ای است اما فعلاً خواستار خود بمب اتمی نیست با وجود این، حضور و نفوذ عناصر نظامی و انقلابی در ساختار حکومت، موجب نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای آن می‌شود. بنابراین در شرایط کنونی ۵+۱ باید به دنبال ارزیابی روند فعلی و تمرکز بر افزایش فشار بر ایران باشد. در این زمینه، لازم است که غرب دو اقدام را پیگیری کند. اول اینکه با توجه به وابستگی ظاهری ایران به واردات سنگ اورانیوم از خارج کشور، نسبت به الحاق بندی برای جلوگیری از صادرات سنگ اورانیوم در قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل اقدام کند و دوم

1. George Perkovich, "Nuclear Quagmire With Iran", Council on Foreign Relations, November 23, 2009.

۲. «شورای روابط خارجی» از مهمترین ارکان مؤثر در سیاستگذاری خارجی آمریکاست.



اینکه با تعریف دقیق متغیرهایی که بیانگر نظامی بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران هستند و توافق بر سر آنها به‌عنوان خطوط قرمز، آماده اقدام‌های جدی بر ضد ایران شود.



عنوان: ریشه سیاست اواما در قبال ایران^۱

نویسنده: اسمیت جوردن مایکل

منبع: Word Politics Review^۲

با قطع روابط آمریکا و ایران، ایالات متحده مهمترین منبع اطلاعاتی خود راجع به ایران را از دست داده و تنها به نظرات متخصصان ایران اکتفا کرده است. این مسئله از یکسو مسلماً طیف گسترده‌ای از نظرات را شامل نمی‌شود و ازسوی دیگر طیف متنوع و متعارضی از سیاست‌ها در قبال ایران را پیشنهاد می‌دهد با وجود این اگرچه باراک اواما در زمان مبارزات انتخاباتی خود وعده مذاکره مستقیم با ایران را مطرح ساخت ولی به‌نظر می‌رسد در شرایط فعلی و پس از آشوب‌های انتخاباتی در ایران، اواما باید سیاست خود در قبال ایران را تغییر دهد و در این میان از نظرات مختلف کارشناسان ایرانی استفاده کند اما رویکرد متخصصان مسائل ایران به موضوعات و تحولات جدید متفاوت است چنانچه برخی مانند کریم سجادیپور متخصص مؤسسه کارنگی، افشین موسوی متخصص توسعه بنیاد جدید آمریکا و هاله اسفندیاری متخصص مؤسسه وودرو ویلسون، لیبرال‌های عملگرا هستند که از یکسو، مخالف دشمنی ایران و آمریکا در دوران بوش بوده و ازسوی دیگر، مخالف حکومت ایران نیز هستند. بخش دیگری از متخصصان ایران که مستقیماً با نهادهای اجرایی آمریکا همکاری می‌کنند مثلاً ولی نصر - از مشاوران ارشد ریچارد هالبروک - و ری تکیه - از مشاوران ارشد شورای روابط خارجی آمریکا - معتقدند که ایران رفتار عقلانی داشته

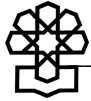
1. Smith Jordan Michael, "Inside obama's Iran policy shop" World Politics Review, November 28, 2009.

۲. «مرور سیاست جهانی» از مهمترین نشریات در حوزه سیاست بین‌الملل است.



و باید با آن تعامل کرد. آنها معتقدند بجای اینکه تحریم‌های جدی و عملیات نظامی علیه ایران انجام شود می‌توان این کشور را به همکاری در اقتصاد جهانی تشویق کرد.

از سوی دیگر رویکرد اوباما نسبت به ایران تحت تأثیر همکاران و مشاوران وی در دولت صورت می‌گیرد اما مقامات آمریکایی نیز در مورد ایران یکسان فکر نمی‌کنند. چنانچه هیلاری کلینتون و جو بایدن رویکرد خشن‌تری نسبت به ایران دارند اما رویکرد اوباما تحت تأثیر مشاوران نزدیک وی معتدل‌تر است. در هر حال اینکه این تیم نامتجانس چگونه با هم همکاری می‌کنند مسئله‌ای جداگانه‌ای است اما به نظر می‌رسد که اوباما بیش از آنکه به وزارت خارجه خود متکی باشد به مشاور امنیت ملی خود توجه دارد. در مجموع باید توجه داشت که علیرغم مشاوران و متخصصان ایرانی و آمریکایی اوباما، مهمترین مسئله آن است که اوباما چه تصمیمی می‌گیرد و در این زمینه، مسلماً وی مسئول سیاست‌های آمریکا در قبال ایران است.



عنوان: کدام راه در قبال ایران: گزینه‌های آمریکا در قبال ایران^۱

نویسنده: کارل برون

منبع: Brookings Institute^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی چهار راهکار عمده در مورد سیاست‌های آمریکا در قبال ایران می‌پردازد و تلاش می‌کند به دولت اوباما توصیه‌هایی مطرح کند. اولین راه حل مطرح شده، راه حل دیپلماتیک است که می‌تواند از طریق دو شیوه اجبار و امتناع ایران و یا توسل به همکاری صورت پذیرد.

راه حل دوم، اقدام نظامی است که از سه طریق می‌تواند صورت پذیرد:

۱. حمله هوایی آمریکا،

۲. اجازه به اسرائیل جهت حمله به ایران،

۳. آغاز جنگ تمام‌عیار با ایران.

راه حل سوم نیز شامل تغییر رژیم است که سه شیوه برای آن متصور است:

۱. حمایت از قیام و فوریت‌های مردمی داخل ایران،

۲. ترغیب به آشوب و شورش،

۳. حمایت از کودتای نظامی.

رویکرد چهارم مبتنی بر سیاست «مهار» است. نویسنده معتقد است هیچ‌کدام از این شیوه‌ها مؤثرتر از دیگری نیست و احتمال موفقیت هر یک نیز مبهم بوده و چندان قابل اعتماد نیست. در نهایت نویسنده توجیه می‌کند که سیاستمداران آمریکایی باید مجموعه‌ای از شرایط فوق را با هم در نظر بگیرند.

1. Carl Brown, "Which Path to Persia? Option For a New American Strategy Toward Iran", Brookings Institute, Vol.88, Issue6, December 2009.

۲. «مؤسسه بروکینگز» یکی از مؤسسات مهم پژوهشی در حوزه سیاست بین‌الملل است.



عنوان: گزینه‌های بد در قبال ایران^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: Middle East Forum^۲

این گزارش به بررسی سیاست آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران پرداخته و ابعاد مختلف آن را با تمرکز بر رویکرد اسرائیل و ایالات متحده مورد ارزیابی قرار داده است. نویسنده در ابتدای گزارش به تلاش اوباما در اتخاذ یک موضع مشترک با اتحادیه اروپا به منظور مسئولیت‌پذیر کردن دولت ایران اشاره کرده و آن را سیاستی شکست خورده دانسته است زیرا که ایران با اعلام خبر ساخت دومین تأسیسات هسته‌ای خود عملاً شفافیت‌ناپذیری خویش را در مسئله هسته‌ای به اثبات رساند این درحالی است که به اعتقاد برخی از کارشناسان هسته‌ای، ایران اطلاعات کافی برای طراحی و ساخت بمب اتمی را در اختیار دارد. در این شرایط اگرچه مذاکرات ژنو و دیدار مقامات عالی‌رتبه ایران و آمریکا از دیدگاه‌گری سبک - مشاور امنیت ملی سابق آمریکا - یک واقعه تاریخی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود اما مخالفت ایران با پیشنهاد انتقال اورانیوم، مجدداً پرونده هسته‌ای این کشور را با ابهام مواجه ساخته است. هرچند که دولت اوباما تأکید دارد که همه چیز را در این مورد تحت کنترل دارد اما کشورهایمانند عربستان و اسرائیل از اقدامات ایران و آزمایش‌های موشکی آن احساس خطر می‌کنند. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی نگرانی‌های روانی موجود در نظام بین‌الملل بر سر پرونده هسته‌ای ایران

1. "Michael Rubin", Bad Options on Iran: An Israeli Strike Won't Suffice, Middle East Forum October 5, 2009.

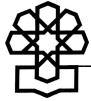
۲. «تریبون خاورمیانه» از مراکز مهم پژوهشی در حوزه خاورمیانه با رویکرد محافظه‌کارانه است.



اشاره می‌کند. از نظر اروپا، مسئله هسته‌ای ایران می‌تواند پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را با چالش مواجه کرده و به گسترش تسلیحات هسته‌ای در جهان منجر شود. از نظر آمریکا، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای سبب افزایش نقش و جایگاه این کشور در سطح منطقه شده و امکان اجبار سایر کشورها از سوی ایران با تکیه بر سلاح هسته‌ای به منظور پذیرش خواسته‌های آن در منطقه - برخلاف منافع آمریکا - را به وجود می‌آورد. همچنین اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیز پیامدهای خطرناکی برای آمریکا دارد و استراتژی آمریکا در منطقه را پیچیده می‌کند. از سوی دیگر اسرائیل نگرانی‌های بیشتری در مورد دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای دارد این مسئله تحت تأثیر خواست ایران برای نابودی اسرائیل تشدید می‌شود. اما بسیاری در اروپا و آمریکا، ترس اسرائیل از ایران هسته‌ای را نوعی توهم توطئه می‌دانند زیرا که ایران هسته‌ای می‌داند که هر اقدام هسته‌ای علیه اسرائیل با تلافی گسترده‌تری همراه خواهد بود. اما اسرائیل معتقد است که نیروهای رادیکال با اهداف ایدئولوژیک در ایران، ممکن است تصمیم حمله به این کشور را داشته باشند و براین اساس، ایران هسته‌ای، یک تهدید وجودی علیه اسرائیل است. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی استراتژی اسرائیل در قبال ایران هسته‌ای می‌پردازد و تأکید می‌کند که اقدام اسرائیل در نابودی تأسیسات هسته‌ای اوسیراک عراق نشان داد که اسرائیل ممکن است به اقدام یک‌جانبه برای نابودی تأسیسات هسته‌ای دشمنانش دست زند. در این زمینه، اوسیراک به‌عنوان یک مدل حمله به تأسیسات هسته‌ای تصور می‌شود اما تأسیسات هسته‌ای ایران، شرایط جغرافیایی متفاوتی داشته و دستیابی به آنها با چالش‌هایی مواجه است. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی برخی از این مشکلات اشاره کرده و تأکید می‌کند که مقامات اسرائیل باید از نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای



ایران اطمینان یابند. مجموعه چالش‌های موجود برای حمله به ایران سبب شده است که دیدگاه‌های مختلفی در اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران وجود داشته باشد. به اعتقاد نویسنده، حمله اسرائیل به ایران شاید هسته‌ای شدن آن را به تأخیر اندازد اما این زمان طولانی نخواهد بود. در واقع هرگونه حمله یک قمار محسوب می‌شود لذا مقامات اسرائیلی در وهله اول در صدد و افزایش فشارها از طریق گروه ۵+۱ هستند اما در صورت نادیده انگاشته شدن تهدیدات ایران و تداوم و تشدید نگرانی‌های اسرائیل، در مورد مسئله هسته‌ای ایران احتمال اقدام یک‌جانبه اسرائیل وجود دارد.



عنوان: آیا رفتار روسیه در قبال ایران جدی خواهد شد؟^۱

نویسنده: مایکل کرولی

منبع: New Republic^۲

در هفته‌های اخیر، اواما در حوزه سیاست خارجی به‌شدت توسط منتقدان داخلی تحت فشار بوده است منتقدان معتقدند که سیاست خارجی اواما فاقد انسجام کافی بوده است. اما با وجود این انتقادات، اواما در مسئله هسته‌ای ایران - به‌عنوان یکی از اولویت‌های خود - به نقطه‌ای رسیده است که ممکن است براساس آن، روسیه سیاست هسته‌ای خود در قبال ایران را تغییر دهد.

در صورت همراهی روسیه با تحریم‌های احتمالی علیه ایران، راه دولت اواما جهت فشار بر ایران هموار خواهد شد. در این میان، هر چند که چین نیز در گزینه تحریم ایران منافی دارد اما به‌طور تاریخی، روسیه منافع اقتصادی بیشتری در قبال ایران داشته است در این شرایط، در ماه‌های اخیر دو حادثه سبب تیرگی روابط روسیه و ایران و احتمالاً تغییر سیاست روس‌ها در قبال مسئله هسته‌ای آن شده است. اولین مسئله، انتقاد مقامات ایرانی از روسیه نسبت به تأخیر ارسال سامانه دفاع ضد موشکی S-300 است که توانایی سرنگونی هواپیماها و موشک‌های کروز را از فاصله ۱۵۰ کیلومتری دارد. در واقع روسیه نگران ارسال S-300 به ایران است زیرا که احتمال می‌دهد آغاز ارسال این سامانه سبب تحریک اسرائیل به حمله قبل از

1. Michael Crowley, "Is Russia Finally Getting Serious About Iran"? New Republic November 24, 2009.

۲. «نیوپابلیک» از نشریات محافظه‌کار در حوزه سیاست داخلی و خارجی آمریکاست.



استقرار آن شود. به عبارت دیگر، روسیه از ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی متعاقب حمله اسرائیل به ایران، نگرانی‌های جدی‌ای دارد.

دومین عامل در تیرگی روابط ایران و روسیه، تأخیر در راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر بوده است.

با وجود این، علیرغم تنش کنونی در روابط ایران و روسیه، نمی‌توان نظر قطعی‌ای در مورد تغییر رویه روسیه در قبال ایران داد زیرا که روسیه ممکن است بازی دوگانه‌ای را در قبال ایران و غرب در پیش گرفته باشد. در این شرایط باید به روابط روسیه و آمریکا در دوره اوباما نیز توجه کرد. اوباما در ابتدای ریاست‌جمهوری خود خواهان تجدیدنظر در روابط با روسیه شد و جهت نشان دادن حسن‌نیت آمریکا در این زمینه و به امید همکاری روسیه با ایالات متحده در پرونده هسته‌ای ایران، از سامانه دفاع ضد موشکی در اروپای شرقی چشم‌پوشی کرد. تحولات اخیر در تنش میان ایران و روسیه و تأثیر آن بر پرونده هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که در صورتی که روسیه معامله با آمریکا را قبول کرده باشد پیروزی عمده‌ای برای اوباما به دست آمده است.



عنوان: سیاست روسیه در قبال ایران^۱

نویسنده: ریچارد ویتز

منبع: World Politics Review^۲

نقش روسیه در مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب همچنان مبهم است. روسیه خواهان دستیابی ایران به سلاح اتمی نبوده و از سوی دیگر صراحتاً اعلام کرده است که از تنش ایران و غرب - مشروط به آنکه منجر به جنگ نشود - منفعت خواهد بود مقامات روسیه با توجه به عدم پیش‌بینی‌پذیری رفتار ایران و ترس از جاه‌طلبی‌های بلندمدت ایران در مورد اوراسیا، تمایلی نسبت به کسب سلاح اتمی توسط ایران ندارند. از سوی دیگر مقامات روسیه نگران حمله احتمالی غرب علیه ایران هستند. زیرا که هرچند چنین حمله‌ای سبب افزایش قیمت نفت شده و این امر برای مسکو مطلوبیت دارد ولی جنگ احتمالی در همسایگی روسیه به وقوع خواهد پیوست و این مسئله که سبب تحریک اسلام‌گرایان روسی و جمهوری‌های استقلال‌یافته شده و از طرف دیگر تغییر رژیم احتمالی در ایران با ریسک و قابلیت عدم پیش‌بینی تحولات مواجه خواهد بود که مجموعه این اتفاقات برای روسیه، تهدید به‌شمار می‌رود. علیرغم این مسئله، روسیه نسبت به غرب نگرانی کمتری از اقدامات هسته‌ای ایران داشته است. روسیه منافع اقتصادی زیادی در ایران داشته و مهمترین شریک مسائل هسته‌ای این کشور محسوب می‌شود همچنین فروش تسلیحات روسی به ایران قابل توجه است. در مجموع، روسیه تلاش می‌کند بین ایران و غرب میانجیگری کرده و منافع خود را تأمین کند.

1. Richard Weitz, "Global Insights: Parsing Moscow's Iran Policy", World Politics Review, November 6, 2009.

۲. «مرور سیاست جهانی» یکی از مهمترین نشریات در حوزه سیاست بین‌الملل است.



در این میان، برخی از پژوهشگران با نگرش بدبینانه در واشنگتن معتقدند که روسیه ممکن است از طریق اتخاذ سیاست‌های خشن‌تر در قبال ایران برای خود کسب اعتبار کند و از طریق مصالحه با دولت اوپاما، فشار اعمالی بر این کشور در مورد برچیدن سیستم دفاع موشکی در اروپای شرقی را کاهش دهد. با وجود این، روسیه به استفاده چین از حق وتوی خود در برابر اعمال فشار بیشتر علیه ایران امیدوار است تا از این طریق نیز منافع اقتصادی خود در ایران را از دست ندهد.



عنوان: شرط‌بندی چین در مورد ایران^۱

نویسنده: والت ویوین

منبع: Fortune^۲

در حالی که صحنه سیاسی ایران پس از انتخابات ریاست‌جمهوری متشنج بود، مقامات این کشور در حوزه نفت مشغول سفر به چین جهت انعقاد قرارداد با این کشور در مورد حوزه نفتی پارس جنوبی به ارزش ۴/۷ میلیارد دلار بودند. این قرارداد، بخشی از قراردادهای کلان در صنعت نفت بین ایران و چین بوده که ارزشی بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار دارد. در واقع غرب، این قراردادها را معنادار می‌پندارد. این قراردادها برای دو طرف سودآور است. چین نیاز جدی به انرژی دارد و ۱۴ درصد انرژی مورد نیاز خود را از ایران تأمین می‌کند. از سوی دیگر ایران نیز متقابلاً از چین، بنزین و سلاح دریافت می‌کند.

این مسئله، همزمان با افزایش فشار آمریکا و اتحادیه اروپا بر ایران می‌تواند به منزله آزمونی برای چین محسوب شود. در واقع چین به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت می‌تواند به تحریم بنزینی علیه ایران بپیوندد ولی در عمل، چین فضای مناسبی برای فرار ایران از فشارها ایجاد کرده است. به‌نظر می‌رسد آمریکا باید به چین فشار بیشتری وارد کند. این فشار می‌تواند از طریق افزایش تعرفه‌های واردات کالاهای چینی به ایالات متحده صورت پذیرد. در این صورت، ممکن است چین به اعمال تحریم‌های جدی علیه ایران اقدام کند. البته احتمال اینکه اعمال تحریم‌ها باعث لغو قراردادها شود بسیار اندک است ولی روند اجرای تعهدات را کاهش خواهد داد. به‌نظر می‌رسد ایران به اتکای چین حتی از اعمال تحریم‌ها استقبال می‌کند و نگرانی چندانی نسبت به تشدید آنها ندارد.

1. Walt Vivienne, "China Bets on Iran", Fortune, Vol. 160, Issue8, 2009.

۲. «فورچون» نشریات معتبر حوزه مسائل بین‌الملل است.



عنوان: ورود جهان عرب به برنامه هسته‌ای ایران^۱

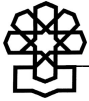
نویسنده: الیزابت اسکندر

منبع: World Politics Review^۲

تلاش دیپلماتیک برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران نباید محدود به اروپا و آمریکا باشد بلکه برای به نتیجه رسیدن این موضوع، مستلزم همکاری بین‌المللی همه کشورها و از جمله کشورهای عربی است. نتیجه مذاکرات اول اکتبر ایران و ۵+۱ به نظر مثبت می‌رسد با این حال، طرفین تغییر موضعی را موجود نیاورده‌اند. در اقدامات قبلی غرب تلاشی جهت درک نیت ایران انجام نمی‌داد و این مسئله سبب شد ایران زمان لازم جهت پیشبرد اهداف خود را به دست آورد. ایران با تأکید بر اینکه مسئله هسته‌ای به دشمنی غرب با ایران و اسلام مرتبط است تلاش می‌کرد موضع خود را تقویت کند و از سوی دیگر غرب نیز به افزایش تحریم‌ها، تهدید می‌کرد. این درحالی است که منزوی ساختن ایران، از این کشور یک قهرمان در جهان اسلام خواهد ساخت. از این رو باید جبهه دیپلماتیک علیه ایران شامل سایر کشورها از جمله کشورهای اسلامی و عربی نیز باشد تا ایران از اعمال فشارهای بین‌المللی، منفعتی نبرد. از سوی دیگر، ورود غرب به مذاکرات سبب می‌شود به شکل نمادین تقابل ایران با غرب تقابل اسلام و غرب، تلقی نشود. این مسئله می‌تواند مورد حمایت اعراب نیز واقع شود زیرا که:

1. Elizabeth Iskander, "Engaging the Arab World on Iran Nuuear Crisis", World Politics Review November 5, 2009.

۲. «مرور سیاست جهانی» از نشریات مهم در حوزه سیاست بین‌الملل است.



۱. اعراب مخالف رشد قدرت ایران هستند.

۲. اعراب خواهان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه هستند.

۳. حمله احتمالی غرب به ایران برای اعراب، بسیار پرهزینه خواهد بود.

حضور نیروهای آمریکایی در کشورهای منطقه در صورت حمله به ایران باعث می‌شود ایران به این کشورها نیز حمله کند. از سوی دیگر، جمعیت شیعه این کشورها احتمالاً به حمایت از ایران اقدام می‌کنند. از این رو، ورود اعراب به مذاکره با ایران مفید خواهد بود. بر این اساس می‌توان اقداماتی برای حضور فعال‌تر کشورهای عربی در موضوع هسته‌ای ایران در دستور کار قرار داد. در این زمینه به عنوان مثال می‌توان نماینده‌ای از کشورهای عربی به ۵+۱ اضافه کرد.



عنوان: خنثی‌سازی تهدید ایران^۱

نویسنده: ادوین جی. فولنر

منبع: Heritage Foundtion^۲

این گزارش به بررسی سیاست آمریکا در قبال ایران پرداخته و با تأکید بر مشکلات متعدد موجود در تعامل آمریکا با ایران، بسیاری از این چالش‌ها را غیرقابل حل دانسته است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که اگرچه به نظر می‌رسد که او با ما در تعامل با ایران خسته شده است اما این مسئله هرگز تعجب‌آمیز نیست زیرا که تعامل، ایران، یک مسئله چندبعدی است و با چالش‌های متعددی روبروست و از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون نیز یکی از دغدغه‌های ثابت رؤسای جمهور آمریکا بوده است. در این میان، از یکسو او با ما از ساخت تأسیسات جدید هسته‌ای ایران در نزدیکی قم مطلع می‌شود و از سوی دیگر، ایران بدون ابراز پشیمانی از نقض تعهدات خود، موشک‌های جدیدی را که می‌تواند برای حمله به غرب مورد استفاده قرار گیرد آزمایش می‌کند. در این شرایط، یافتن یک راه‌حل برای تعامل با ایران دشوار است چنانچه بوش نیز با تعامل با تروئیکای اروپا (آلمان - انگلیس و فرانسه) نتوانست تهدید ایران را خنثی کند. از سوی دیگر در سازمان ملل نیز مسئله ایران حل نشده است و روسیه و چین همچنان به روابط نزدیک خود با ایران ادامه می‌دهند و به تهدید استفاده از اهرم وتوی خود برای مقابله با اعمال تحریم علیه ایران تأکید می‌کنند. در این میان، سیاست ایران، وقت‌کشی و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی آن است. زیرا که ایران با تحمل تحریم‌ها می‌تواند به یک

1. Edwin J. Feulner, "Defusing the Iranian Threat", The Heritage Foundation, October, 2009.

۲. «بنیاد هریتیج» یکی از مهمترین مؤسسات پژوهشی آمریکا و وابسته به نئومحافظه‌کاران است.



قدرت هسته‌ای تبدیل شود. این مسئله یک زنگ خطر برای غرب است زیرا که ایران یکی از کشورهای پیشرو در حمایت از تروریسم در جهان است و دستیابی آن به تسلیحات هسته‌ای، خطری برای تغییر در موازنه قدرت نیز است. بنابراین آمریکا و متحدان آن باید به سرعت در اقدامی هماهنگ، دست به کار شوند و اقدامات زیر را انجام دهند.

۱. بسیج یک ائتلاف بین‌المللی برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای: در این زمینه اگر چه می‌توان حمایت انگلیس و فرانسه را به دست آورد اما باید چین و روسیه را نسبت به تهدید ایران هسته‌ای متقاعد کرد.

۲. تحریم‌های اعمالی علیه ایران باید با شدت بیشتر پیگیری شود: در این زمینه باید او با ما صراحتاً تأکید کند که تحریم‌های اقتصادی شدیدی در مورد سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران، وام‌ها و صدور تسلیحات و بنزین به این کشور محقق خواهد شد.

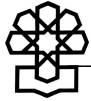
۳. آمریکا باید برای اقدام نظامی علیه ایران به عنوان آخرین اهرم برای توقف برنامه هسته‌ای آن آماده باشد: در این زمینه، پنتاگون باید طرح‌های مربوط به حمله را به روزرسانی کرده و با تعیین اهداف مورد نظر، حداقل تلفات غیرنظامیان را مورد توجه قرار دهد. در این میان، باید مطمئن شد که هر اقدام نظامی، قطعاً ایران را از دستیابی به توانایی نظامی باز می‌دارد.

۴. آمریکا باید برای اطمینان از خطر حملات موشکی ایران - در صورت عملیاتی شدن اقدام نظامی علیه این کشور - آماده باشد.

۵. رهبران آمریکا باید تأکید کنند که درگیری آمریکا با ایران، ارتباطی به مردم این کشور نداشته و نظام کنونی آن، هدف اصلی است. زیرا که برنامه هسته‌ای ایران خطری نه تنها برای آمریکا و جامعه جهانی بلکه برای زندگی صلح‌آمیز خود ایرانیان



است. براین اساس، اقدام سریع و هماهنگ آمریکا و متحدان آن می‌تواند به حمایت از منافع ایالات متحده و دوستان آن کمک کند.



عنوان: مسئله ایران، کلید دیگر اهداف سیاست خارجی او باما است^۱

نویسنده: گری اشمیت

منبع: American Enterprise Institute^۲

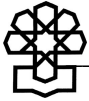
مسئله دو سخنرانی اصلی او باما در حوزه سیاست خارجی، سخنرانی او در مصر در مورد باز تعریف روابط ایالات متحده و جهان اسلام و سخنرانی وی قبل از اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد جهان عاری از سلاح‌های هسته‌ای بود. این دو موضع‌گیری سیاست خارجی او باما، کاملاً با مسئله هسته‌ای ایران در ارتباط است زیرا که در صورت ناتوانی سیاست خارجی آمریکا در توقف فعالیت‌های هسته‌ای این کشور، این مسئله مانع آشکاری در جلوگیری از توسعه فعالیت‌های هسته‌ای سایر کشورهای منطقه خاورمیانه مانند مصر، عربستان و احتمالاً ترکیه خواهد بود در واقع این کشورها برای کسب رهبری جهان اسلام، در صدد دستیابی به این توانمندی خواهند بود. از سوی دیگر با دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای، این کشورها احساس امنیت کمتری خواهند داشت و بنابراین تلاش برای منع گسترش فعالیت‌های هسته‌ای در خلیج فارس و حوزه مدیترانه، محقق نخواهد شد. در این شرایط، چشم‌انداز عملکرد کنونی برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مبهم و تاریک است. این درحالی است که بر پایه شواهد موجود، او باما بجای بازدارندگی ایران هسته‌ای، در صدد جلوگیری از اشاعه هسته‌ای در منطقه است. براین اساس، آمریکا به دنبال یک چتر حمایتی هسته‌ای برای کشورهای منطقه، بجای استفاده این کشورها از سلاح‌های خود علیه ایران است لذا آمریکا باید برای اطمینان دادن به این کشورها در مورد عدم استفاده ایران از موشک‌های هسته‌ای و یا عدم اجازه آمریکا به ایران برای استفاده از موشک‌هایش به‌منظور

1. Gary J. Schmitt, "Iran Issue Is Key to Obama's Foreign Policy Goals", American Enterprise Institute, November 16, 2009.

۲. «مؤسسه اینترپرایز» از مهمترین مؤسسات پژوهشی در حوزه خاورمیانه است.



گسترش اهداف ایدئولوژیک یا جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای‌اش، نقش رهبری خود در خاورمیانه را تقویت کرده و اطلاعات جامعی از حمایت‌های اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی مورد نیاز کشورهای منطقه برای پیشبرد استراتژی آمریکا در خاورمیانه به‌دست آورد در این میان، سخنرانی‌های او با ما در قاهره و در سازمان ملل، بلندپروازی‌های شجاعانه‌ای برای جهان و برای نقش رهبری آمریکا تدوین کرده است اما برای دستیابی به این اهداف، آمریکا باید بر مسئله ایران تمرکز کند. زیرا که حل مسئله هسته‌ای ایران، اهمیت کمتری از سایر دیدگاه‌ها و اهداف او با ما ندارد. در واقع، مسئله ایران، کلید دیگر اهداف سیاست خارجی او با ما محسوب می‌شود.



عنوان: ایران، آمریکا و خلیج فارس: توهم سیاست منطقه‌ای^۱

نویسنده: مارینا اوتاوی

منبع: Carnegie^۲

هرگونه سیاست موفق آمریکا بر ضد ایران نیازمند استراتژی منطقه‌ای است. در این میان نقش کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در موفقیت استراتژی آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است اما سیاست آمریکا در دوره بوش مبنی بر ایجاد اتحاد ضدایرانی اعراب و اسرائیل باعث شد که آمریکا، اعراب را مجبور به ورود به نوعی مناسبات با ایران کند که از ظرفیت اعمال آن تهی هستند. در واقع اعراب نمی‌توانند در برابر ایران به شیوه امنیتی بروز و ظهور پیدا کنند لذا دولت او با ما باید با توقف سیاست قبلی به سمت سازوکارهایی پیش برود که ایران از طریق جذب و عادی‌سازی روابط با اعراب، مهار شود. با ارزیابی سیاست پیشین می‌توان به این نتایج دست یافت:

- علیرغم هراس عمومی اعراب از قدرت فزاینده منطقه‌ای ایران و احتمال بروز تهدید هسته‌ای از جانب همسایه شمالی، اعضای شورای همکاری خلیج فارس نه در نوع پاسخ خود به ایران از اتحاد برخوردارند و نه تمایل به رویارویی با ایران در ملأعام دارند. همچنین شکاف‌های داخلی بین اعراب نیز باعث تضعیف موضع آنها شده است.

1. Marina Ottaway, "Iran, the United States, and the Gulf: The Elusive Regional Policy", Carnegie Paper, November 2009

۲. «بنیاد کارنگی» از مهمترین مراکز پژوهشی در حوزه امنیت بین‌الملل است



- شورای همکاری خلیج فارس فاقد رهبری در تدوین استراتژی برخورد با ایران است. عربستان علیرغم وسعت و ثروت خود که به‌عنوان رهبر بالقوه فرض می‌شود به‌صورت تاریخی محافظه‌کار و حامی وضع موجود بوده است.

- اگرچه اسرائیل و مصر به‌شدت ضدایرانی هستند اما نمی‌توان استراتژی منطقه‌ای را مبتنی بر سیاست‌های آنها تدوین کرد. اسرائیل هنوز مورد شناسایی همسایگانش قرار نگرفته و مصر نیز گرفتار بحث جانشینی و افول نفوذ منطقه‌ای است.

- ایالات متحده نباید اعراب منطقه را مجبور به انتخاب یکی از طرفین آمریکا - ایران و یا ایران - عراق کند.

درواقع امنیتی کردن موضوع ایران توسط دولت بوش باعث محروم شدن آمریکا از ظرفیت اعراب منطقه شده است لذا دکترین جدید باید مبتنی بر توسعه روابط اعراب با ایران و حفاظت امنیتی اعراب توسط آمریکا در قبال ایران باشد.



عنوان: جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران، کل ماجرا نیست^۱

منبع: The Jewish Institute For National Security Affairs^۲

ماجرای فرانکوپ - ارسال حدود ۶۰ تن تسلیحات نظامی از ایران به حزب ا... لبنان - تخلف قطعنامه‌های سازمان ملل محسوب می‌شود زیرا که از یک‌سو، ایران مجاز به ارسال تسلیحات نبوده و از سوی دیگر، حزب ا... لبنان نیز اجازه واردات سلاح را - براساس قطعنامه‌های شورای امنیت - ندارد. با این حال، این اقدام - هر چند که کشتی حامل سلاح‌ها هرگز به مقصد نرسیده و هم‌اکنون در بندر اشدود اسرائیل متوقف شده است - صورت گرفته است. در این میان، این مسئله که چگونه و در چه محلی این کشتی بارگیری شده و سپس چگونه مورد شک قرار گرفته و متوقف شده است، اطلاعات کاملی در دسترس نیست. اما ظاهراً این کشتی از زمان ترک مبدأ آن در بندرعباس، توسط نیروی دریایی آمریکا مورد تعقیب بوده و نیروی دریایی مصر نیز به‌دقت، عبور آن از کانال سوئز را مورد توجه قرار داده و سپس توسط نیروهای اسرائیلی - آمریکایی که درحال عملیات مشترک در منطقه بوده‌اند متوقف شده و سلاح‌ها در زیر محموله‌های غیرنظامی کشف شده است. ماجرای فرانکوپ - که یادآور ماجرای کشتی کارین است - بیانگر این مسئله است که تنها جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران، تمام ماجرا نیستند بلکه ایران به دنبال اهداف زیر در خاورمیانه است:

۱. کسب هرمونی منطقه‌ای: در این راستا ایران به گسترش تعاملات خود با

1. Iran's Nuclear Ambitions Are Not the Whole Story, The Jewish Institute for National Security Affairs, Jinsa Report 936, November, 2009.

۲. «مؤسسه یهودی امنیت ملی» از مراکز مهم و تأثیرگذار مرتبط با لابی اسرائیل در آمریکاست.



سوریه و ترکیه پرداخته و یک هلال نفوذ را در شمال اسرائیل و اردن به وجود آورده است. مسلح کردن حزب... و حماس بخشی از این استراتژی است تا از این طریق، مصر نیز مورد حمله و نفوذ حزب... قرار گیرد.

۲. حفظ روابط اقتصادی و تعاملات انرژی با روسیه و چین برای جبران تحریم‌های احتمالی آمریکا علیه ایران.

۳. تقویت روابط با ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه به منظور اعمال فشار بر آمریکا تا به افزایش منابع امنیتی خود در حوزه منطقه‌ای‌اش بپردازد.

هیچ یک از این سه هدف ایران - که نیازمند داشتن توانایی‌های هسته‌ای نیست - با شتاب درحال پیگیری است. براین اساس، اگرچه همکاری آمریکا، اسرائیل و مصر در توقف انتقال تسلیحات کشتی فرانکوپ اقدام بسیار خوب و مؤثری بوده است اما باید به دنبال توقف اهداف دیگر ایران مانند تمایل این کشور برای دستیابی به قدرت هژمونیک منطقه‌ای، نابودی متحدان آمریکا و برنامه بلندپروازانه هسته‌ای و نابودی اسرائیل بود. در این شرایط، سیاست آمریکا باید حمایت قاطع از نیروهای دمکراتیک در داخل ایران باشد که پس از انتخابات اخیر در ایران، با سیاست‌های دولت کنونی آن به مقابله پرداخته‌اند. علاوه بر این، گسترش تعاملات و همکاری‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل از طریق ملاقات‌ها و تمرینات مشترک می‌تواند به مقابله با تهدیدات فوری مشترک آنان از جانب ایران کمک مؤثری کند.



عنوان: عرصه دریایی در منازعه با ایران^۱

نویسنده: یول گزنسکی

منبع: Institute For National Security Studies^۲

تصرف اخیر کشتی فرانکوپ توسط ناوگان نظامی اسرائیل، اگرچه اولین مورد از این نوع اقدامات اسرائیل علیه ایران نیست اما بیانگر منازعه تصاعدی میان این دو است. در واقع هر چند که این اقدام به منظور جلوگیری از قاچاق تسلیحات به لبنان و سوریه است اما مهمتر آن است که براین اساس، اسرائیل می‌تواند توانمندی‌های خود در عرصه سیاست مهار و حمله به ایران را باز تعریف کرده و بر احتمال موفقیت تحریم‌های فلج‌کننده غرب بر ضد ایران بیافزاید. از سوی دیگر توقف کشتی حامل تسلیحات ایرانی، نشان‌دهنده گسترش رویارویی ایران و اسرائیل به عرصه دریاهاست. ایران اخیراً با تمرکز بیشتر بر دریاها به دنبال استقرار پایگاه‌های نظامی خود در بنادر کشورهای شاخ آفریقا بوده است. در عین حال، از نظر اسرائیل نیز مسیر دریای سرخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به خصوص گزینه دریایی، می‌تواند از جمله گزینه‌های حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در کنار حمله هوایی باشد با این تفاوت که محدودیت‌های حمله هوایی را ندارد و آسیب‌پذیری نیز کاهش می‌یابد. مجموعاً باید گفت که در کنار مبانی حقوقی‌ای که شورای امنیت سازمان ملل جهت مهار ایران بنیان نهاده است اسرائیل درحال نشان دادن روش‌های

1. Yoel Guzansky "The Naval Areana in the Straggle Against Iran", Institute For National Security Studies, Inss No 146, December 3, 2009.

۲. «مؤسسه مطالعات امنیت ملی» یکی از مهمترین مراکز پژوهشی در حوزه مطالعات امنیت ملی اسرائیل است.

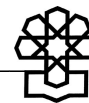


عنوان: نیروهای دریایی ایران: از جنگ چریکی تا استراتژی مدرن دریایی^۱
منبع: US Office of Naval Intelligence^۲

ایران با سازماندهی مجدد نیروهای دریایی خود در خلیج فارس به دنبال آن است که عملاً کنترل عملیاتی تنگه هرمز را در دست نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دهد. اکنون ایران تندروترین قایق‌های جهان را در اختیار دارد. این گزارش، تاریخچه و استراتژی دریایی ایران در شرایط کنونی را مورد بررسی قرار داده است. از نکات مهم مطرح شده در این استراتژی اشاره به چگونگی استفاده از سلاح‌های متعارف به روش‌هایی غیرمتعارف است که گزارش مذکور متمرکز بر استفاده ایران از قایق‌های تندرو شده است. براساس این گزارش، ایران روی تقویت ادوات غیرمتعارف از جمله سرعت، قدرت مانور و قدرت قایق‌های کوچک سرمایه‌گذاری کرده تا ضعف‌های ادوات متعارف دریایی را مورد هدف قرار دهد. نکته مهم در گزارش فوق، اشاره به مفاهیمی مانند روحیه انقلابی، جهاد و شهادت در چارچوب استراتژی جنگ نامتقارن ایران است. این گزارش اطلاعات نسبتاً دقیقی از توانایی‌های دریایی ایران بیان کرده و معتقد است که ایران بازسازی نیروی دریایی خود را از سال ۲۰۰۷ میلادی و با گشایش دو پایگاه دریایی جدید، کشتی‌هایی که تا پیش از آن در دریای خزر، خلیج فارس و خلیج عمان تردد می‌کردند را مستقر کرده است. براساس گزارش اطلاعاتی آمریکا، ایران تعداد قایق‌های تندرو، موشک‌های ضدکشتی

1. Iran's Naval Forces: "From Guerilla Warfare to a modern Naval Strategy", US Office of Naval Intelligence, fall 2009.

۲. اداره اطلاعات نیروی دریایی آمریکا.



عملیاتی‌تر جهت خنثی کردن تهدیدهای ایران با هزینه‌های کمتر به‌خصوص از جنبه دریایی است. گسترش منازعه به‌سمت دریاها در واقع بیانگر گسترش مرزهای استراتژیک اسرائیل بر ضد ایران و کاهش وابستگی آن به اجازه دیگران جهت حمله به ایران است.



کروز و اژدرهای خود را افزایش داده و این تجهیزات به ایران امکان بهتری را در استراتژی دفاعی می‌دهد. در بخشی از این گزارش آمده است سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران توان دریایی خود را با همکاری چین، کره شمالی و همچنین طرح و فناوری ایتالیا که در زمینه نظامی و هم اقتصادی بوده افزایش داده و هم‌اکنون تعدادی از سریع‌ترین قایق‌های موجود در جهان را در خلیج فارس مستقر کرده است. همچنین اعلام شده که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به دنبال ساخت و یا تهیه وسایل دریایی بدون سرنشین است. براساس این گزارش، هدف اصلی ایران از تقویت نیروی دریایی خود، کنترل بر خلیج فارس و تنگه هرمز است و «سپاه پاسداران نیز تبدیل به نیروی نظامی غیرسنتی شده است که برنامه‌های عملیاتی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده است که بتوان در برابر هرگونه تهدیدی بقای خود را حفظ کند و در عین حال دست به اقدامات تدافعی غیرمتقارن و ابتکاری بزند».



عنوان: عربستان سعودی پس از تنش‌زدایی ایران و آمریکا^۱

نویسنده: پل آرتس، جوریس ون دوجنه

منبع: Middle East Policy Council^۲

این گزارش به بررسی نقش و جایگاه و وضعیت کشورهای عربی به‌ویژه عربستان در منطقه خلیج فارس در صورت تنش‌زدایی میان ایران و آمریکا می‌پردازد. نویسنده در ابتدای مقاله با اشاره به برخی تحولات موجود برای تنش‌زدایی در روابط ایران و غرب و اعلام تمایل اوباما در بهبود روابط با ایران، تأکید می‌کند که با بهبود روابط ایران و غرب، نگرانی اعراب در مورد گسترش نفوذ ایران در منطقه و به‌ویژه عراق افزایش می‌یابد. در این میان، تأکید آنان بر سیاست‌های فرقه‌گرایانه ناشی از گسترش نفوذ شیعیان ایران نیز افزوده می‌شود و نگرانی آنان از ایجاد هلال شیعه یا احیای شیعیان تشدید می‌شود. ازسوی دیگر اگرچه بارها ازسوی مقامات آمریکایی تأکید می‌شود که آمریکا تعهد خود مبنی بر تعاملات تاریخی و استراتژیک با شرکای عربی‌اش را ادامه خواهد داد اما تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا، اعراب را نگران می‌کند و این مسئله، احساس عدم امنیت در منطقه را افزایش می‌دهد. در این شرایط، کشورهای عربی و به‌ویژه عربستان می‌دانند که آمریکا برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و به‌ویژه افغانستان، عراق و روند صلح اعراب و اسرائیل به ایران احتیاج دارد. بنابراین تنش‌زدایی با ایران ممکن است در کاهش میزان و نوع ارتباطات آمریکا با

1. Paul Aarts and Joris Van Duijne', "Saudi Arabia After U.S - Iranian Détente: Left in the Lurch", Middle East Policy Council, Vol. XVI, Fall 2009, November 3.

۲. «شورای سیاست خاورمیانه» از مراکز مهم پژوهشی در حوزه خاورمیانه است.



کشورهای عربی منطقه تأثیر داشته است زیرا که از نظر کشورهای عربی منطقه، هر گونه تنش‌زدایی ایران و آمریکا با هزینه اعراب صورت می‌گیرد. این نگرشِ بازی با حاصل جمع صفر گونه اعراب می‌تواند چالش‌های زیادی را در سطوح مختلف برای آمریکا به دنبال داشته باشد. نویسندگان در ادامه گزارش، به بررسی تأثیرات امنیتی، اقتصادی و چالش‌های تنش‌زدایی ایران و آمریکا در فرآیند صلح خاورمیانه اشاره می‌کند. در این میان، نویسندگان به ارزیابی تأثیرات روابط ایران و آمریکا با عربستان پرداخته و سپس نوع تعاملات ایران و عربستان پس از بهبود روابط ایران و آمریکا را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.



عنوان: آیا ایران به اوپاما در افغانستان کمک می‌کند یا نه؟^۱

نویسنده: بابی گوش

منبع: Time Magazine^۲

باراک اوپاما در اعلام استراتژی اخیر خود درباره افغانستان، بیست‌وپنج بار نام پاکستان را آورد که بیانگر اهمیت این همسایه جنوبی برای امنیت افغانستان است. اما در این استراتژی، هیچ نامی از همسایه غربی افغانستان یعنی ایران آورده نشده است. درست است که حوادث پس از انتخابات ایران و به‌خصوص ناکامی معامله هسته‌ای دو طرف باعث تشدید مواضع ایران بر ضد آمریکا شده است اما ایران در گذشته نشان داده است که می‌تواند بر آمریکا ستیزی خود غلبه کند و همکاری تنگاتنگی با آمریکا به‌خصوص در عرصه افغانستان - مانند سال ۲۰۰۱ و سرنگونی حکومت طالبان - داشته باشد. درحالی که دولت بوش، ایران را در نقطه مقابل خود قرار داد اما در طی این دوره، روابط ایران با اقوام افغان و حتی حکومت کرزای افزایش چشمگیر یافت.

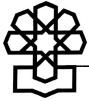
از سوی دیگر منافع ایران و آمریکا همچنان در افغانستان نیز همراستاست، در این زمینه به‌خصوص در مورد عدم تمایل بازگشت آشوب به افغانستان و راه افتادن سیل آوارگان، عدم غلبه سنی‌های تندروی طالبان بر حکومت و جلوگیری از انتقال مواد مخدر اشتراکات عمده‌ای میان ایران و آمریکا وجود دارد. حتی می‌توان گفت که

1. Bobby Ghosh, "Will Iran Help Hinder Obama in Afghanistan," Time Magazine, December 3, 2009.

۲. مجله تایم، یکی از مجلات معتبر بین‌المللی است.



آسیب‌هایی که این تهدیدها متوجه ایران می‌کنند بسیار بیش از آمریکا است. با این حال در شرایط فعلی، منافع مشترک به تنهایی نمی‌توانند موجب همگام شدن ایران با آمریکا شود. علت اصلی این واقعیت آن است که نخبگان اجرایی که اینک بر ایران حکومت می‌کنند منافع ایران را به‌گونه‌ای تعریف می‌کنند که در تقابل با آمریکا معنی می‌یابد. در واقع اگرچه ایران از طالبان متنفر است اما تنفر ایران از آمریکا بیش از آن است. لذا در حال حاضر امید به همکاری ایران با آمریکا در افغانستان، نوعی بلندپروازی است و صرف اینکه ایران آسیبی به منافع آمریکا در آنجا نرساند کفایت می‌کند. مهمترین تهدید متصور از جانب ایران در افغانستان، فعال کردن گروه‌های قومی هزاره، تاجیک و ازبک در شمال افغانستان است که می‌توانند جبهه سوم را در جنگ فعلی افغانستان بگشایند. با این حال اگر سطح رقابت ایران و آمریکا بجایی برسد که افغانستان را نیز شامل شود احتمال استفاده ایران از ابزارهایش در افغانستان برای مقابله با استراتژی آمریکا در این کشور، چندان دور از انتظار نخواهد بود.



عنوان: شراکت ایران و برزیل^۱

منبع: Stratfor^۲

سفر اخیر آقای احمدی‌نژاد به برزیل که اولین سفر رسمی یک رئیس‌جمهور ایرانی به این کشور محسوب می‌شود، از جانب منتقدان غربی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت این در حالی بود که این سفر به شدت مورد حمایت حامیان ایران بود. ایران سال‌هاست که به دنبال گسترش روابط خود با کشورهای منطقه آمریکای لاتین است و اسرائیل بیشترین نگرانی را در این زمینه دارد. در وضعیت کنونی روابط ایران با کشور ونزوئلا بسیار خوب و گرم است، به طوری که دو کشور در خصوص راه‌اندازی و توسعه طرح‌های مشترکی با یکدیگر سرمایه‌گذاری‌های متعددی را انجام داده‌اند. ایران همچنین با کشورهای دیگری در منطقه آمریکا لاتین رابطه دارد که از آن جمله می‌توان به کشورهای نیکاراگوئه، اکوادور و بولیوی اشاره کرد. در واقع ایران به دنبال گسترش روابط با آمریکای لاتین بر اساس محور آمریکاستیزی است به طوری که روابط ایران با آن دسته از کشورهایایی که با آمریکا خصومت دارند و یا احساس خوبی نسبت به این کشور ندارند و روابط بسیار محدودی با آن دارند، گرم و نزدیک شود تا به این ترتیب واکنشگن مورد تحقیر قرار گیرد.

اما برزیل به منظور گسترش و تشدید تأثیرگذاری خود در عرصه بین‌المللی به هیچ‌وجه خود را برای ارتباط برقرار کردن با کشورهای دیگر - حتی کشورهایی که شاید برزیل را به عنوان قدرت مطلق منطقه قبول نداشته باشند - محدود نکرده است،

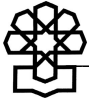
1. Brazil and Iran: "An Unlikely Partnership" November 25, 2009.

۲. «استراتفور» از مراکز مهم پژوهشی آمریکا در سیاست بین‌الملل با تمرکز بر ژئوپلیتیک است.



این کشور روابط خود را با کشورهای نظیر هند، آفریقای جنوبی، چین و کشورهای اروپایی گسترش داده است. تمایل و علاقه برزیل برای برقراری ارتباط با کشورهای قاره آفریقا حتی برای آن کشور این امکان را فراهم آورد تا برای برخورداری از یک کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد از رأی لازم و کافی برخوردار شود. همچنین در دوره کنونی، برزیل به گونه‌ای عمل کرده است که می‌تواند قابلیت میانجیگری میان کشورهای مختلف در زمان بحران را داشته باشد که از آن جمله می‌توان به مناقشه و بحران موجود میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها اشاره کرد. اکنون برزیل با وارد شدن به سیاست‌های موجود در منطقه خاورمیانه، موفق شده است که توجه دو طرف مناقشه را به سوی خود جلب کند، هر چند که خاورمیانه به اندازه کافی از میانجیگر برخوردار است. اما از سوی دیگر ایران با گسترش روابط با برزیل، احتمالاً باعث خواهد شد تا آمریکا را از صحنه خاورمیانه دور سازد، هر چند که انجام این امر از سوی یک قدرت نوظهور واقع در نیمکره غربی خیلی هم آسان به نظر نمی‌رسد.

برزیل کشوری همانند کشورهای دیگر منطقه آمریکای لاتین نیست که به شدت برای کسب درآمد به صادرات خود وابسته باشد. تجارت این کشور با ایالات متحده آمریکا بسیار ناچیز است، به طوری که حجم واردات و صادرات این کشور به ایالات متحده آمریکا تنها سه درصد از حجم تولید ناخالص ملی این کشور را در سال ۲۰۰۸ میلادی به خود اختصاص داده است. بنابراین درحالی که برزیل به دنبال قطع روابط خود با آمریکا نیست، به همین خاطر می‌تواند با ایران هم مناسبات حسنه‌ای داشته باشد، چرا که برزیل کشوری نیست که همانند دیگر کشورهای منطقه از نظر



اقتصادی به آمریکا وابسته باشد.

از سوی دیگر این نکته را هم نباید فراموش کرد که همکاری و ارتباط میان دو کشور ایران و برزیل به صورت محدود می‌تواند برقرار باشد، چرا که اولاً ایران سرمایه اضافی ندارد که بخواهد آن را به صورت جدی در برزیل سرمایه‌گذاری کند و از طرف دیگر فاصله و مسافت موجود میان دو کشور، همکاری‌های جدی اقتصادی میان آنها را زودگذر و موقت می‌کند. از سوی دیگر یک فاکتور مهم نیز وجود دارد که می‌تواند روابط برزیل و آمریکا را به سردی بکشاند؛ کنگره آمریکا قصد دارد تدابیری را اتخاذ کند که به واسطه آن و با محدود کردن مؤسسات و سازمان‌های آمریکایی - که به طور اخص می‌توان به بانک‌های صادرات و واردات این کشور اشاره کرد - برزیل را تحت فشار قرار دهد. به این ترتیب که کنگره برای آنها در امر سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف در کشور برزیل محدودیت ایجاد کند. کشوری همانند برزیل که قصد دارد ۱۷۴ میلیارد دلار در بخش انرژی سرمایه‌گذاری کند، نمی‌تواند خود را در موقعیتی یابد که بتواند خود را از سرمایه آمریکایی‌ها و همچنین از بهره‌برداری از تکنولوژی پیشرفته شرکت‌های آنها دور سازد. در نهایت از آنجا که ایران نمی‌تواند جایگزینی برای سرمایه‌های احتمالی که آمریکا از برزیل خارج می‌کند باشد نمی‌توان به چشم‌انداز این شراکت چندان امیدوار بود.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۰۱۸

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۲)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۹/۲۹